

مطالعه تطبیقی عناصر راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای زمینی دو

جنگ جهانی اول و دوم

رضا شاهقلیان قهرخی^۱، فریدون طالب پور^۲، داود آقامحمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

چکیده

موضوع جنگ جهانی اول و دوم به دلیل گستردگی و جهانشمولی و به لحاظ تأثیرات بسیار عمیق و کلی آن در روند و سیر صعود و سقوط قدرت‌ها و پیدایش کشورها و نظام‌های جدید و نابودی برخی کشورها و نظام‌ها، تأثیرات مهمی در پیمان‌های تازه سیاسی و زندگی ملت‌ها داشته است. هدف از این پژوهش تطبیق راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم می‌باشد. با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخ‌گویی به سوال‌های اصلی و فرعی، در این تحقیق از روش تحلیل محتوا جهت مفهوم‌پردازی از داده‌ها و به شیوه مطالعه تطبیقی جهت بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع استفاده شده است. از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های توسعه‌ای قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی می‌باشد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که در جنگ جهانی اول، آتش و در جنگ جهانی دوم، تحرک نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند. ورود تانک در جنگ جهانی اول و هواپیما در جنگ جهانی دوم، ماهیت جنگ را در عرصه فناوری دستخوش تحول نمود. عمق میدان نبرد در جنگ جهانی دوم نسبت به اول به دلیل افزایش برد سلاح‌ها افزایش یافت. تغییر و تحول در ابزارهای راهبردی از آتش به تحرک میل نموده و بعد چهارم جنگ یعنی اهمیت «زمان» را بیش از پیش آشکار ساخت. تنوع در روش‌های جنگیدن، مانور و قابلیت انعطاف در عرصه میدانی را عاملی برتر ساز معرفی نمود. اهداف فقط از جنبه نظامی خارج و با جنبه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، راهبردی و ... مورد کنکاش قرار گرفت.

واژگان کلیدی: راهبرد، راهبرد نظامی، جنگ، نبردهای زمینی، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم.

^۱. عضو هیات علمی دانشگاه افسری امام حسین (ع)

^۲. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی

^۳. استاد و عضو هیات علمی دانشگاه دافوس آجا

مقدمه

بعضی وقت‌ها شگفت زده می‌شویم از این‌که آیا واقعاً جنگ ضروری است؟ دنیا نمی‌تواند در آرامش باشد؟ اگرچه بعضی فکر می‌کنند برای ثبات صلح و آرامش جنگ ضروری است، اما عده‌ای دیگر بر این باورند که آنها فقط به خاطر طمع قدرت با هم می‌جنگند. ایدئولوژی‌های مخالف و متضاد کشورها با یکدیگر و طمع آنها برای به‌دست آوردن حاکمیت و قدرت موجب ایجاد پدیده زشت جنگ می‌شود که گاهی فقط دو کشور و گاهی همه دنیا درگیر آن می‌شوند و در این میان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی) و جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی) دو واقعه بسیار مهم در تاریخ جهان‌اند که در آنها تمام قاره‌ها درگیر جنگ بوده، میلیون‌ها نفر جان خود را از دست دادند و در سرتا سر دنیا، تلفات، خسارات و خرابی‌های زیادی بر جای ماند و نتایج فجیع بود.

سطور تاریخ نظامی جهان مملو از تجربیات گران‌بهایی است که برای کسب آنها بهای سنگین و در برخی موارد هزینه‌های غیرقابل جبرانی مصروف گردیده است. بررسی این جنگ‌ها مؤید این نظریه است که جنگ، ادامه سیاست به زبانی دیگر است و یکی از پایدارترین عناصر متشکله تاریخ جهان محسوب گردیده و از بدو خلقت تا به امروز به صور مختلف بروز کرده است. یعنی سراسر تاریخ بشری، همواره با نبرد همراه بوده و همه عصرها جنگ را تجربه نموده است. گویی حمله و دفاع جزئی از زندگی مردم بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود چراکه گذشته، چراغ راه آینده است. میدان جنگ که در آن سرنوشت یک ملت تعیین می‌شود، میدان آزمون و خطا نیست و برندگان واقعی صحنه نبرد، کسانی هستند که بتوانند جنگ‌های امروز را به بهترین وجهی با نبردهای دیروز، پیوند داده و راهبردهای به‌موقع، مناسب، به‌جا و مؤثری را در شرایط گوناگون اتخاذ نمایند. بنابراین با توجه به اهمیت مطالعه راهبرد جنگ‌ها از جمله جنگ‌های جهانی که دامنه گسترده‌تری در حوزه‌های مختلف اجتماعی داشته و هم

اینک نیز تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف آنها در برخی از مجامع آکادمیک نظامی دنیا، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ مطالعه راهبردهای به کار رفته در نبردهای این جنگ‌ها می‌تواند در کاربرد ابزار، روش‌ها و اهداف نظامی، مورد استفاده فرماندهان و طراحان قرار گیرد. بنابراین در مقاله حاضر، مطالعه تطبیقی راهبردهای به کار رفته در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی:

تطبیق عناصر راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم از سوی متحدین و متفقین.

اهداف فرعی:

- ۱- شناسایی عناصر راهبردهای نظامی متحدین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم؛
- ۲- شناسایی عناصر راهبردهای نظامی متفقین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم؛
- ۳- شناسایی وجوه اشتراک و افتراق عناصر راهبردهای نظامی طرفین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم.

سئوال‌های تحقیق

سئوال اصلی:

عناصر راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم از سوی متحدین و متفقین کدام‌اند؟

سئوال‌های فرعی:

- ۱- عناصر راهبردهای نظامی متحدین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم کدام‌اند؟
- ۲- عناصر راهبردهای نظامی متفقین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم کدام‌اند؟
- ۳- وجوه اشتراک و افتراق عناصر راهبردهای نظامی طرفین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم کدام‌اند؟

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱- مفهوم شناسی

جنگ: حالت زد و خورد مسلحانه عمدی میان کشورها، ملت‌ها یا گروه‌های دشمن (صدری، ۱۳۸۱: ۴۴۴) و یا مترادف با واژه نبرد، حرب، پیکار، زد و خورد، جدال، مبارزه، رزم (رستمی، ۱۳۷۸: ۳۲۹) آورده شده است.

جنگ جهانی! جنگ جهانی به درگیری نظامی گسترده‌ای اطلاق می‌شود که اکثریت دولت‌ها و مردم جهان را درگیر خود کند. در تاریخ، این عنوان معمولاً به دو جنگ بسیار عظیم که در قرن بیستم اتفاق افتاد، یعنی جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، اطلاق می‌شود (<https://fa.wikipedia.org>).

راهبرد: راهبرد در لغت به معنی فن اداره عملیات جنگی و دانش رهبری نظامی است (معین، ۱۳۷۱: ۲۴۷). راهبرد، برنامه‌ریزی امکانات شامل تشخیص و آرایش توانایی‌های سازمانی برای استقرار پیروزمندانه آن در شرایط محیطی متفاوت است (آنسف و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۲). به عقیده میتزبرگ، کوئین و گوشال، راهبرد سازمان عبارت است از الگوی تصمیمات سازمان که بیانگر و مشخص‌کننده اهداف و مقاصد سازمان و منشأ سیاست‌های اصلی و برنامه‌هایی برای نیل به این اهداف است و دامنه و نوع فعالیت‌های سازمان و نیز شیوه سازماندهی منابع اقتصادی و انسانی آن را در راستای دستیابی به مقاصد و تأمین خواسته‌های

سهامداران، کارکنان، مشتریان و گروه‌های ذی‌نفع تعریف، می‌کند (Mintzberg, 1994: 53-60).

عناصر راهبرد: راهبرد از سه عنصر اهداف^۱، راه‌ها^۲ و ابزارها^۳ تشکیل می‌شود. منظور از هدف، هدف‌های نظامی است و مراد از راه‌ها، روش‌های متفاوت به کارگیری نیروی نظامی و در حقیقت بررسی اقداماتی است که برای نیل به اهداف نظامی طراحی می‌گردد و ابزار به معنای منابع نظامی، نیروی انسانی، قدرت مالی، پول، نیروها، پشتیبانی و غیره است که برای انجام مأموریت لازم است (ازغندی، ۱۳۷۸: ۶).

راهبرد نظامی: راهبرد نظامی یکی از عناصر مطالعات راهبردی است که بر اساس آن، بازیگران در سیستم بین‌المللی از ابزار نظامی به منظور دستیابی به مقاصد یا اهداف سیاسی استفاده می‌نمایند. بنابراین دولت‌ها به جهت تسلط بر قدرت نظامی، بازیگران اصلی نظام بین‌الملل به شمار می‌روند (بوزان، ۱۹۸۷: ۳). راهبرد نظامی به چهار نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از: راهبرد زمینی، راهبرد دریایی، راهبرد هوایی، راهبرد فضایی. در تقسیمی که برای راهبرد در نظر می‌گیرند، واژه «سیاست ملّی» در رأس آن قرار دارد. سیاست ملّی با راهبرد بزرگ (راهبرد همه‌جانبه) و نظایر آن مترادف می‌باشد و به معنای بسیج و هدایت همه امکانات کشور برای نیل به خواسته‌های ملّی است. برای دستیابی به اهداف و منافع ملی از راهبردهای مختلفی استفاده می‌شود. به عنوان مثال، هرگاه امکانات نظامی کشور برای تحقق سیاست ملّی، بسیج و هدایت گردد، چنین اقدامی در چارچوب راهبرد نظامی قرار می‌گیرد. به‌طور عمده، راهبرد به راهبردهای نظامی و سیاسی تقسیم می‌گردد. تمایز راهبرد نظامی از سیاسی به اهداف، ابزارها و منابع مورد استفاده هر یک از آنها برمی‌گردد. به عنوان مثال، استفاده از نیروی نظامی، مشخصه به کارگیری راهبرد نظامی است. بنابراین، راهبرد نظامی را (راهبرد مستقیم) و راهبرد سیاسی را (راهبرد غیر مستقیم) می‌نامند (شیرودی، ۱۳۸۱: ۳۴).

^۱ends

^۲ways

^۳means

تدوین راهبرد نظامی: فرایند طراحی بلند مدت توزیع و به‌کارگیری منابع، مقدرات و ابزارهای ملی (قدرت ملی) برای تأمین اهداف دفاعی را تدوین راهبرد گویند (افشردی و بوالحسنی، ۱۳۹۳: ۱۴).

۲- جنگ جهانی اول.

جنگ جهانی اول (اوت ۱۹۱۴ - نوامبر ۱۹۱۸)، نخستین نزاع بزرگ بین المللی در قرن بیستم به شمار می‌رود. در ماه اوت ۱۹۱۴ م جنگ عظیمی در اروپا بین آلمان، رهبر دول محور، و نیروهای متفقین به رهبری فرانسه و بریتانیا درگرفت. هیچ یک از دو طرف نتوانستند به پیروزی کامل دست یابند و جنگ جهانی اول تا چهار سال به طول انجامید. پیش از پیروزی متفقین در نوامبر ۱۹۱۸ حدود ۱۰ میلیون نفر کشته شدند. طی این جنگ، نیروهای متفق شامل بریتانیا، فرانسه، صربستان و امپراتوری شوروی که بعدها ایتالیا، یونان، پرتغال، رومانی و ایالات متحده هم به آنها پیوستند با نیروهای مرکزی (متحد)، یعنی آلمان و اتریش - مجارستان (که بعدها ترکیه عثمانی و بلغارستان هم به آنها ملحق شدند) جنگیدند.

از دلایل آغاز جنگ جهانی اول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- رقابت اتریش و شوروی در بالکان؛

۲- اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آلتاس و لرن؛

۳- رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس.

اما بهانه اصلی شروع جنگ جهانی اول این بود که «آرشیدوک فرانتس فردیناند» ولیعهد امپراتوری اتریش - مجارستان به دست یک ناسیونالیست صرب به نام پرنزیب در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ در سارایوو بوسنی به قتل رسید و اتریش ادعا کرد صربستان در این کار دخالت داشته و تقاضا نمود تحقیقاتی با شرکت نمایندگان اتریش صورت پذیرد که دولت صربستان تحقیقات را قبول نمود ولی با حضور نمایندگان خارجی مخالفت کرد. دولت اتریش به صربستان اعلان جنگ داد و شوروی در حمایت از صربستان، بسیج عمومی اعلام کرد و آلمان هم به حمایت از اتریش به شوروی و فرانسه اعلان جنگ داد. قوای آلمان به بلژیک حمله کرد و این اقدام یعنی حمله به یک کشور بی‌طرف موجب دخالت انگلیس در جنگ شد. رقابت اتریش و شوروی در بالکان یکی از علل آغاز جنگ جهانی اول می‌باشد. در روز ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۱۴ میلادی

امپراتوری اتریش - مجارستان به کشور صربستان اعلان جنگ داد، جنگی که جنگ بزرگ نام گرفت و به جنگ جهانی اول تبدیل شد. در فردای آن روز شوروی به امپراتوری اتریش - مجارستان اعلان جنگ داده و امپراتوری آلمان فوراً به شوروی هشدار می‌دهد اگر اعلان جنگ را پس نگیرد، آلمان به نوبه خود وارد جنگ خواهد شد. شوروی تزاری پیشنهاد آلمان را رد می‌کند و آلمان نیز به نوبه خود در روز اول اوت به شوروی اعلان جنگ می‌دهد. فرانسه در همان روز اعلام بسیج عمومی می‌کند و در روز ۳ اوت سال ۱۹۱۴ میلادی امپراتور آلمان، گیوم دوم به فرانسه اعلان جنگ داده و نیروهای ارتش آلمان وارد خاک بلژیک می‌شوند. امپراتوری بریتانیا در روز ۴ اوت به آلمان اولیتماتوم می‌دهد که بی طرفی بلژیک را رعایت کند (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۲۷۷-۲۷۶).

آلمان اولیتماتوم بریتانیا را رد کرده و در همان روز بریتانیا به نوبه خود به آلمان اعلان جنگ می‌دهد. سپس فرانسه و بریتانیا به ترتیب در روزهای ۱۱ و ۱۲ اوت به امپراتوری اتریش - مجارستان اعلان جنگ می‌دهند. ظرف ۲ هفته آتش جنگ بخش اعظم اروپا را فرا می‌گیرد. جنگ جهانی اول ناشی از رقابت‌هایی بود که از ۵۰ سال پیش از آغاز این جنگ، قاره اروپا را از هم پاشیده بودند. رقابت‌های سرزمینی و استعماری موجب شدند تا کشورهای اروپایی در مقابل یکدیگر در جنگ جهانی اول صف آرایی کنند. جنگ جهانی اول چهار سال به طول انجامید. امپراتوری‌های اروپای مرکزی، آلمان، اتریش - مجارستان و عثمانی به همراه بلغارستان در مقابل امپراتوری روسیه، امپراتوری بریتانیا و جمهوری فرانسه به همراه ایتالیا قرار می‌گیرند. با ورود ژاپن به جنگ و به ویژه ایالات متحده در سال ۱۹۱۷ میلادی جنگ واقعا ابعاد جهانی می‌یابد. تصور یک جنگ کوتاه مدت از همان پاییز سال ۱۹۱۴ میلادی با ناکامی تهاجم‌های بزرگ در جبهه‌های غربی و شرقی رنگ می‌بازد. در مجموع ۳۵ کشور جهان درگیر جنگ جهانی اول، این جنگ خانمانسوز و بی رحمانه می‌شوند. جنگ جهانی اول یک جنگ مدرن با استفاده از سلاح‌های جدید مرگبار، تاکتیک‌های نوین جنگی بود که دادن تلفات در آن برای طرفین اهمیتی نداشت، بلکه هدف فقط شکست دشمن بود. در جنگ جهانی اول قاره اروپا به آتش و خون کشیده می‌شود. دامنه جنگ حتی به مستعمرات به ویژه در آفریقا نیز گسترش می‌یابد. با ورود

ژاپن و آمریکا به صحنه نبرد، جنگ ابعادی واقعا جهانی پیدا می‌کند. پس از ۴ سال جنگ بی‌رحمانه سرانجام در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۱۸ میلادی با تسلیم آلمان جنگ جهانی اول خاتمه می‌یابد (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۴۰۳).

۳- جنگ جهانی دوم.

جنگ جهانی دوم، دومین جنگ فراگیر (شهریور ۱۳۱۸ - ۱۳۲۴ / سپتامبر ۱۹۳۹ - اوت ۱۹۴۵) که افزون بر اروپا، در بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا و افریقا تأثیرات مخرب عمده‌ای برجای گذاشت و کشورهای اسلامی، از جمله ایران، را درگیر خود ساخت.

علل اصلی جنگ جهانی دوم:

۱- اشتباهات عهدنامه ورسای (۷ مه ۱۹۱۹) که ظاهراً به جنگ جهانی اول پایان داد؛

۲- پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ / ۱۳۰۸ ش؛

۳- رقابت سیاسی فاشیسم و دموکراسی‌های غربی و مارکسیسم.

عامل اخیر چنان مؤثر بود که نبرد میان کشورهای درگیر، به شکل بی‌سابقه‌ای، عموم مردم را به قلمرو جنگ کشاند، به طوری که در پایان جنگ تعداد کشته‌شدگان نظامی و غیرنظامی تقریباً با هم برابری می‌کرد. این جنگ، که بین دو بلوک متحدین (آلمان و ایتالیا و ژاپن) و متفقین (انگلیس و فرانسه و آمریکا و شوروی) درگرفت، به لحاظ گستردگی جغرافیایی و قدرت تخریب منابع انسانی و طبیعی، بی‌همتا بوده است. وضع اسفبار زندگی مردم آلمان به دنبال شکست در جنگ جهانی اول و الزام دولت آلمان به پرداخت غرامت جنگی سنگین، ظهور آدولف هیتلر را که عامل اصلی شروع جنگ جهانی دوم بود، تسهیل نمود (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۴۰۶). وی که شکست آلمان را نتیجه توطئه یهودیان و کمونیست‌ها می‌دانست، نه تنها خواستار تجدیدنظر در عهدنامه ورسای شد، بلکه با طرح شعار پان ژرمنیسم و با اعلام برتری کامل نژاد ژرمن، حق گسترش قلمرو آلمان تا سرزمین ملت‌های اسلاو در اروپای مرکزی و شرقی را مسلّم انگاشت و تبعیض نژادی را اساس جهان‌بینی خود قرار داد و به همین شکل در صدد گسترش نفوذ خود در دیگر نقاط جهان برآمد.

تا زمانی که هیتلر، از طریق تجدیدنظر در عهدنامه ورسای، سرزمین‌های متعلق به آلمان را مطالبه می‌کرد، کشورهای غربی به خصوص انگلیس، به سیاست ترضیه خاطر و تسکین وی ادامه دادند، اما اشغال پراگ، پایتخت لهستان، به دست ارتش آلمان برای متفقین تحمل‌پذیر نبود. اتحاد جماهیر شوروی، که به قدرت مقاومت دولت‌های غربی در برابر آلمان اطمینان نداشت، ترجیح داد به آلمان نزدیک شود. پیمان عدم تعرض آلمان و شوروی در ۳۱ مرداد ۱۳۱۸ / ۲۳ اوت ۱۹۳۹، نگرانی هیتلر را از جنگ در دو جبهه زدود (مه‌دوی، ۱۳۷۴: ۳۸۳-۳۸۵) از پاییز ۱۹۴۲ / ۱۳۲۱ ش، اوضاع تغییر کرد و اولین نشانه‌های شکست متحدین پدیدار شد. اشغال سرزمین‌های شوروی موجب اتحاد متفقین با این کشور شد و زمینه را برای تصرف سرزمین‌های از دست رفته فراهم نمود. در اواخر نوامبر ۱۹۴۲ / آبان ۱۳۲۱، ارتش سرخ شوروی در جبهه‌های مشرق، ضدحمله گسترده خود را در حوضه ولگا در شمال و استالینگراد در جنوب آغاز کرد و تا ۲ فوریه ۱۹۴۳ / ۱۳ بهمن ۱۳۲۱، کلیه قوای آلمان را سرکوب نمود. ارتش سرخ شوروی، به‌رغم مقاومت‌های سرسختانه قوای آلمانی در سایر نقاط شوروی، به پیشروی ادامه داد و توانست همه سرزمین‌های تصرف شده را پس بگیرد. بدین ترتیب در اوایل ۱۹۴۳ / ۱۳۲۱ ش، دولت‌های محور، ابتکار عمل را در کلیه جبهه‌ها از دست داده بودند (تاریخ جنگ دوم جهانی: ۱۳۲-۱۴۰؛ تیلور، ۱۳۷۴: ۲۴۹-۲۶۶).

پس از گردهمایی سران انگلیس و آمریکا و شوروی در اجلاس تهران (۷-۱۰ آذر ۱۳۲۲ / ۲۸ نوامبر - اول دسامبر ۱۹۴۳)، آمریکا و انگلیس مشغول تدارک حمله‌ای شدند که بزرگ‌ترین عملیات نظامی جنگ جهانی دوم به شمار می‌رفت. روس‌ها نیز در بهار ۱۹۴۴ / ۱۳۲۳ ش، هم‌زمان با حمله نیروهای مشترک آمریکا و انگلیس در شمال نورماندی، تهاجم بزرگ خود را در حوضه دنپیر آغاز کردند و از آنجا به رومانی و بلغارستان و سپس آلمان حمله‌ور شدند. در جبهه غرب، سپاه مشترک آمریکا و انگلیس پس از پس گرفتن پاریس در ۲۵ اوت / ۳ شهریور، به سوی مرزهای آلمان پیشروی کرد و به این ترتیب، از فوریه ۱۹۴۵ / بهمن ۱۳۲۳ از مشرق و مغرب به خاک آلمان هجوم بردند (تاریخ جنگ دوم جهانی: ۱۹۲ به بعد؛ تیلور، ۱۳۷۴: ۳۱۱). هیتلر که از قرارگاه زیرزمینی خود در برلین تحت محاصره، ناامیدانه به مقاومت ادامه می‌داد، وقتی خبر مرگ

موسولینی را شنید، در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ / ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۴ خودکشی کرد و دولت جدید آلمان را دونیتس، فرمانده نیروی دریایی، در ایالت شلسویگ تشکیل داد و از متفقین تقاضای ترک مخاصمه کرد. در ۸ مه / ۱۸ اردیبهشت، سند قطعی تسلیم بی‌قید و شرط آلمان در برلین امضا شد و براساس تصمیماتی که روزولت، استالین و چرچیل در اجلاس یالتا در فوریه ۱۹۴۵ / بهمن - اسفند ۱۳۲۴ گرفتند، این کشور به مناطق اشغالی تقسیم شد (اسکورزنی، ۱۳۷۴: ۵۸۱-۵۸۳؛ تیلور، ۱۳۷۴: ۳۸۶).

اما جنگ در خاور دور تا چند ماه دیگر ادامه داشت. ژاپن که هنوز اندونزی، هندوچین، بخش مهمی از خاک چین و تعداد زیادی از جزایر اقیانوس آرام را در اشغال داشت، با مقاومت سرسختانه خود، موجب ترس متفقین از ادامه جنگی طولانی شده بود. از همین رو، پس از مدتی، با اینکه ژاپن قبلاً شرایط صلح را از آمریکا پرسیده بود، آمریکا مسئولیت پرتاب دو بمب اتمی را بر شهرهای هیروشیما و ناگازاکی (به ترتیب در ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ / ۱۵ و ۱۸ مرداد ۱۳۲۴)، پذیرفت و به این ترتیب سند تسلیم بی‌قید و شرط نیروهای مسلح ژاپن در ۲ سپتامبر / ۱۱ شهریور همان سال بر عرشه رزم‌ناو آمریکایی میسوری به امضا رسید و جنگ کاملاً خاتمه یافت (تیلور، ۱۳۷۴: ۳۹۴-۴۰۰؛ اسکورزنی، ۱۳۷۴: ۲۲۶).

۴- وقایع و رویدادهای سرنوشت ساز جنگ‌های جهانی اول و دوم

جنگ جهانی اول (که با نام های جنگ بزرگ و جنگ برای پایان همه جنگ‌ها نیز شناخته می‌شود) جنگی جهانی بود که از ماه اوت ۱۹۱۴ تا نوامبر ۱۹۱۸ رخ داد و در پی آن، سربازان بسیاری برای جنگ تجهیز شدند و مناطق زیادی از جهان درگیر جنگ گشتند. تلفات جنگ جهانی اول تا آن زمان در تاریخ بی سابقه بود. از سلاح‌های شیمیایی برای نخستین بار در این جنگ استفاده شد. برای نخستین بار، به گونه‌ای انبوه مناطق غیرنظامی بمباران هوایی شدند و نیز برای نخستین بار در این سده کشتار غیرنظامیان در ابعادی گسترده رخ داد. این جنگ به خاطر شیوه جنگ خاکریزی به ویژه در جبهه غرب آن نیز شناخته شده است.

جنگ جهانی دوم، جنگی فراگیر بین اول سپتامبر ۱۹۳۹ تا دوم سپتامبر ۱۹۴۵ بود. البته درگیری‌های مرتبط با این جنگ از چند سال پیش از آن آغاز شده بودند. این جنگ بسیاری از کشورهای جهان از جمله تمامی ابرقدرت‌های روز را درگیر خود کرد تا جایی که دو دسته از

کشورهای مختلف با تشکیل اتحادهای نظامی به نام های متحدین و متفقین در مقابل یکدیگر صف آرایی کردند. این جنگ گسترده ترین جنگ جهانی تاریخ بشر بود که در آن بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از قریب به سی کشور مختلف به صورت مستقیم در آن جنگیدند. در طول این جنگ که حالت یک جنگ تمام عیار به خود گرفته بود، کشورهای مختلف تمامی توان اقتصادی، صنعتی و علمی خود را صرف جنگ کردند تا حدی که تفاوتی بین منابع نظامی و غیرنظامی در آن نبود. این جنگ همچنین موجب کشتار جمعی غیرنظامیان و بمباران های راهبردی نابودکننده گسترده علیه مقاصد صنعتی و مراکز تمرکز مردم (که به مرگ بیش از یک میلیون نفر از جمله در حملات اتمی به دو شهر ژاپنی انجامید) شد. در طول جنگ جهانی دوم بیش از ۷۰ میلیون نفر کشته شدند که این آمار خونین ترین درگیری انسان در طول تاریخ بشریت است.

۵- نبرد زمینی و انواع آن

آلن استفنز معتقد است که دفاع سرزمینی تنها زمانی کلام قابل قبول خواهد بود که تعهد و توانایی نظامی با هم در آمیخته باشد و در جهت نابودی دشمن در هر نقطه و مکانی به کار گرفته شود. منتظر حادثه ماندن، انتخاب درستی نیست. این نتیجه گیری مفهوم واضح و روشنی برای سازماندهی نظامی دارد (السن، ۱۳۸۴: ۲۲۲). صحنه نبرد کانون عملیات های نیروی زمینی در جنگ، درگیری و صلح بوده و با راهبرد صحنه مرتبط است. نبرد مجموعه ای از عملیات های اصلی، مرکب و مرتبط با اقدامات تکمیلی تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی هم زمان و متوالی است که برای دستیابی به اهداف عملیاتی، راهبردی ملی و راهبردی صحنه در محدوده زمانی و فضایی خاص طرح ریزی می شود (بی نام، ۱۳۸۲: ۱۴). صحنه ی عمل سطح راهبردی جنگ را به عنوان صحنه جنگ می نامند و از کلیه ابعاد قدرت ملی در اداره ی این صحنه جهت دستیابی به اهداف راهبردی یا غایی جنگ استفاده می شود. برای اداره سطح راهبردی جنگ به میزان قابل ملاحظه ای نیاز به فهم راهبردی است. واژه جنگ که در صحنه راهبردی به کار گرفته می شود، ممکن است شامل تمام یا قسمتی از کشور و یا حتی فراتر از قلمرو جغرافیایی کشور باشد. در نتیجه سطح راهبردی جنگ، سطحی از جنگ است که در آن یک کشور خط مشی و اهداف امنیت ملی را تعیین می کند و منابع ملی را در جهت تحقق این اهداف مورد استفاده قرار می دهد.

در این سطح، چگونگی به‌کارگیری مجموعه امکانات کشور و نیروهای مسلح جهت دستیابی به اهداف امنیت ملی مورد نظر می‌باشد. همچنین صحنه عمل سطح عملیاتی جنگ به‌عنوان صحنه عملیات نامیده می‌شود و در آن با نیروها (ارتش‌ها) و عملیات‌هایی که توسط آنها به‌صورت مستقل یا مشترک انجام می‌شوند، مواجه هستیم. اهداف راهبردی جنگ در این سطح به اهداف واسطه تجزیه شده و به دنبال آن صحنه جنگ به صحنه‌های کوچکتر به‌نام صحنه عملیات تقسیم می‌گردد. در این سطح، عملیات‌های نظامی نظیر عملیات‌های عمده^۱ و عملیات‌های زنجیره‌ای^۲ به‌کار می‌روند. همچنین در این سطح فرماندهان باید از فهم راهبردی و دانش تاکتیکی به میزان تاحدودی برابر برخوردار باشند. بنابراین، سطح عملیاتی جنگ، سطحی از نبرد است که طرح‌ریزی، اجرا و تداوم عملیات‌های اصلی و عملیات‌های زنجیره‌ای را به‌منظور تأمین اهداف راهبردی صحنه عملیات و یا مناطق عملیاتی تحقق می‌بخشد. از این‌رو، در سطح عملیاتی نیروهای مشترک در صحنه عملیات با اجرای نبردهای محدود و یا گسترده با طرح‌ریزی و هدایت عملیات، هدف‌های راهبردی را تأمین و مأموریت و واگذاری فرماندهان رده‌های بالاتر را اجرا می‌نمایند. در واقع، سطح عملیاتی حیات بین کاربرد تاکتیکی نیروها و اهداف راهبردی را به‌وجود می‌آورد و یک سطح واسطه است که هدف‌های راهبردی نظامی را به اهداف و اقدامات تاکتیکی تبدیل می‌کند. این سطح، منطبق به هم پیوستگی عملیات تاکتیکی را در امتداد هدف‌های راهبردی مشخص می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱).

صحنه نبرد زمینی در سطح تاکتیکی جنگ به‌عنوان صحنه نبرد^۳ یا میدان نبرد^۴ نامیده می‌شود و در آن یگان‌ها و قرارگاه‌های عمده نظامی نقش ایفا کرده و به‌دنبال دستیابی به اهداف نظامی (اهداف عملیاتی) هستند. با تجزیه اهداف عملیاتی به اهداف تاکتیکی کوچکتر و تقسیم صحنه عملیات به صحنه‌های تاکتیکی کوچکتر، زمینه دسترسی و حصول آسان به اهداف واسطه و در نهایت به هدف غایی جنگ فراهم می‌گردد. در نتیجه، سطح تاکتیکی، سطحی از جنگ است

۱-Major Operations

۲-Campaign

۳-Theater of Battle

۴-Battle Field

که در آن درگیری‌ها^۱ و رزم‌ها^۲ اجرا می‌شوند تا امکان وصول به اهداف نظامی محوله توسط یگان‌های تاکتیکی فراهم شود. صحنه نبرد زمینی در سطح تاکتیکی در واقع به معنای به‌کارگیری و گسترش سازمان‌یافته‌ی یگان‌ها در نبرد و اجرای مانور در مقابل دشمن به‌منظور بهره‌گیری از قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه برای دستیابی به اهداف عملیاتی می‌باشد. تمرکز فعالیت‌ها و اقدامات در این سطح حول محور مانور و صورت‌بندی و آرایش عناصر رزمی قرار دارد و عمده اقدامات در این سطح عینی و اجرایی است. (نوذری، ۱۳۸۹: ۳۳).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای، از نظر شیوه گردآوری اطلاعات در زمره مطالعات کتابخانه‌ای و برای پاسخ به سوال‌ها از رویکرد کیفی تحلیل مضمون و شیوه مطالعه تطبیقی استفاده شده است. می‌دانیم که تحلیل محتوا نوعی از جمع‌آوری اطلاعات از متون است که در آن محتوای متون از طریق به‌کارگیری عینی و منظم قواعد مقوله‌بندی آشکار شده و مقوله‌ها با هم مقایسه می‌شوند (هولستی، ۱۳۹۱: ۱۳). بنابراین با توجه به سؤال‌های پژوهش، از روش تحلیل محتوای مضمونی برای استخراج مضامین مربوط به راهبردهای نبردهای زمینی متحدین و متفقین در دو جنگ جهانی اول و دوم در کتاب «تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ» از انتشارات دانشگاه افسری امام علی^۳، نوشته مرحوم سرتیپ محمود رستمی و سرتیپ علی‌اصغر جمالی استفاده شده و سپس مقوله‌های استخراجی به شیوه تطبیقی مقایسه و تحلیل می‌گردند. اما قبل از آن لازم است نمونه مورد بررسی مشخص شود.

نمونه‌گیری

با عنایت به ویژگی تاریخی و نظامی پژوهش و وجود منابع متعدد در این خصوص در جامعه آماری، تلاش گردید منبعی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردد که هم از انتشارات مراکز علمی - نظامی کشور بوده و هم مؤلف و یا مؤلفان آن، نظامی بوده و دارای تجربه جنگی بوده باشند و همچنین این منابع به‌عنوان متون آموزشی مورد بهره‌برداری دانشگاهی قرار گرفته باشد. با در

۱- Conflicts

۲- packages

نظر گرفتن موارد اشاره شده می‌توان ادعا نمود، کتاب «تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ» از انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)^۴، نوشته مرحوم سرتیپ محمود رستمی و سرتیپ علی اصغر جمالی که هر دو از استادان برجسته و مجرب نظامی و در سطح راهبردی مراکز علمی نظامی نیروهای مسلح نیز بوده‌اند، به‌عنوان منبعی جامع و معتبر و واجد ویژگی‌های پیش گفته بوده و به‌صورت هدفمند نبردهایی از دو جنگ (۱۲ نبرد) انتخاب گردید که تا حدود زیادی از نظر پوشش زمانی، شروع، پایان و خلال هر دو جنگ را شامل شده و در آنها عناصر لازم برای استخراج راهبرد قابل دستیابی باشد و همچنین طرفین در عاملیت آنها از نقش مساوی برخوردار باشند (هر چند در بیشتر نبردهای هر دو جنگ، متحدین آفندکننده و متفقین پدافندکننده بوده‌اند) در نتیجه تور نمونه‌گیری به شرح زیر ترسیم گردید. به‌این ترتیب در مجموع ۱۲ نبرد زمینی، به عنوان نمونه هدفمند برای تحلیل محتوای مضمونی تحقیق انتخاب شد.

جدول ۱: نمونه‌گیری هدفمند از نبردهای زمینی طرفین در جنگ‌های جهانی اول و دوم

جنگ	شروع کننده	نام نبرد	سال	طرفین مستقیم نبرد
جنگ جهانی اول	متحدین	طرح تاکتیکی آلمان‌ها جهت شروع جنگ از خاک بلژیک	۱۹۱۴	آلمان - بلژیک
		نبرد تانن‌برگ ۲۶ تا ۳۱ اوت ۱۹۱۴ م	۱۹۱۴	آلمان - روس
		آفند (بهار - تابستان) تا اوت ۱۹۱۵ (تقویت نیروهای آلمان در جبهه شرق - آوریل ۱۹۱۵)	۱۹۱۵	آلمان و اتریش - روس
		نبرد وردن؛ ۲۱ فوریه تا ۱۸ دسامبر ۱۹۱۶ م	۱۹۱۶	آلمان - فرانسه
		آفند سم	۱۹۱۸	آلمان و فرانسه - انگلیس
	متفقین	نبرد مارن	۱۹۱۴	فرانسه و انگلیس - آلمان

متفقین آلمان	۱۹۱۸	آفند نهایی فوش		
آلمان و شوروی - لهستان	۱۹۳۹	طرح آلمان در تصرف لهستان در ابتدای جنگ	متحدین	جنگ جهانی دوم
آلمان - هلند، بلژیک، فرانسه و انگلیس	۱۹۴۰	جنگ در باختر اروپا - ۱۰ مه ۱۹۴۰ م		
آلمان و کشورهای اشغال شده - شوروی با حمایت متفقین	۱۹۴۱	جنگ با شوروی		
شوروی - فنلاند	۱۹۳۹	جنگ شوروی - فنلاند	متفقین	
آمریکا و انگلیس - آلمان	۱۹۴۴	عملیات اورلورد (تک به اروپا)		

۳. یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن ها

واحد زمینه‌ای انتخاب شده (هولستی، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۸۳) در این پژوهش، کتاب «تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ» می‌باشد. از آنجا که این پژوهش درباره جنگ‌های جهانی اول و دوم است و باید به بررسی راهبردهای نظامی نبردهای زمینی دو جنگ بپردازد، بنابراین انتخاب «مضمون» به عنوان واحد ثبت مناسب ترین واحد به نظر می‌رسد. همان گونه که روشن است، یک مضمون ممکن است در یک عبارت، جمله یا پاراگراف نهفته باشد. به عبارت دیگر، چند جمله می‌تواند حاوی یک مضمون، و یا یک جمله می‌تواند حاوی چند مضمون باشد.

جدول ۲: تجزیه و تحلیل راهبرد نبردهای زمینی جنگ جهانی اول

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
(۱) نفوذ به داخل منطقه حلقه دژهای لیژ (۲) تصرف شهر لیژ و پل‌های مهم آن (۳) جدا کردن دژهای ۱۲ گانه لیژ از هم و تصرف تک تک آنها	(۱) نفوذ دادن یک گروه رزمی ویژه از ارتش دوم آلمان به داخل منطقه حلقه دژهای لیژ (۲) ایجاد رخنه در حلقه دژهای ۱۲ گانه طی یک تک شبانه	(۱) به کارگیری ارتش‌های یکم و دوم آلمان (۲) اجرای آتش سنگین توپخانه و انهدام یکی پس از دیگری دژها	در سوم اوت ۱۹۱۴ م، یک گروه رزمی ویژه از ارتش دوم آلمان به استعداد ۳۰۰۰۰ نفر با هدف: (۱) نفوذ به داخل منطقه حلقه دژهای لیژ (۲) تصرف شهر لیژ و پل‌های مهم آن (۳) جدا کردن دژهای ۱۲ گانه لیژ از هم و تصرف تک تک آنها از دالان باریکی بین جنگل‌های آردن و مرز هلند، از مرز بلژیک عبور کرد و در این ضمن سواره نظام آلمان (ارتش یکم	طرح تاکتیکی آلمان‌ها جهت شروع جنگ از خاک بلژیک؛ طرفین: آلمان - بلژیک

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
عبور از موانع	رخنه + تک شبانه	نیروی رزمی در قالب گروه ارتش + آتش	<p>و ... در شمال از رودخانه موز گذشت و برای محاصره شهر حرکت نمود. در این نبرد، آلمان‌ها به منظور شکستن مقاومت سرسختانه بلژیکی‌ها از تک شبانه، برای نفوذ و همچنین آتش سنگین توپخانه آن زمان (توپ‌های ۴۲۰ میلیمتری) بهره‌برده و دژهای لیژ را یکی پس از دیگری منهدم کردند. نتیجه این عملیات بنا بر عواملی چون:</p> <p>۱) برتری عددی عده‌های آلمان ۲) بیم از محاصره نیروهای بلژیکی و عقب‌نشینی آنها عبارت بودند از:</p> <p>۱) تأمین و تصرف اهداف طراحی شده توسط آلمان‌ها ۲) سقوط پایتخت بلژیک (بروکسل) به-دست آلمان‌ها</p>	

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
نجات فرانسه (جلوگیری از ورود آلمان‌ها به پاریس)	اجرای طرح پاتک بر علیه تلاش اصلی آلمان: (۱)انجام یک مانور جبهه‌ای با ارتش‌های ۴، ۵ و ۹ فرانسه	به‌کارگیری ارتش‌های ۴، ۵، ۶ و ۹ فرانسه به همراه نیروهای اعزامی انگلیسی	طی این نبرد، ارتش فرانسه در روز ششم سپتامبر ۱۹۱۴ م، با هدف: نجات فرانسه (جلوگیری از ورود آلمان‌ها به پاریس)، طرح پاتکی را موسوم به ژرف، بر علیه تلاش اصلی آلمان (جناح راست آلمانی‌ها) به شرح زیر آغاز نمود: (۱)انجام یک مانور جبهه‌ای با ارتش‌های ۴، ۵ و ۹ فرانسه (۲)انجام یک مانور احاطه‌ای دو طرفه با ارتش سوم فرانسه در جناح راست و ارتش ششم فرانسه به‌همراه نیروهای اعزامی انگلیس در جناح چپ که نتیجه آن بنابر عواملی چون: (۱)انگیزه بالای متفقین جهت جبران شکست‌های قبلی	نبرد مارن؛ طرفین (فرانسه و انگلیس - آلمان)
	جناح چپ	ارتش سوم فرانسه در جناح راست و ارتش ششم فرانسه به‌همراه نیروهای اعزامی انگلیس در جناح چپ		

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
ممانعت از ورود دشمن به مناطق راهبردی سرنوشت ساز	مانور جبهه‌ای + مانور احاطه‌ای	نیروی رزمی موتور اما مجزا در قالب گروه ارتش	<p>۲) متناسب بودن عملیات اجرایی متفقین با طراحی‌های قبلی</p> <p>۳) تغییر و تضعیف طرح اولیه شلیفن توسط مولتکه</p> <p>۴) ضعف سیستم‌های ارتباطی و اطلاعاتی در جبهه متحدین</p> <p>۵) ماهرانه بودن طرح پاتک فرانسه و اجرای عالی آن توسط نیروهای زمینی متفقین</p> <p>عبارتند از:</p> <p>۱) عقب‌نشینی آلمان‌ها تا پشت رودخانه مارن</p> <p>۲) ظهور نشانه‌های شکست زود هنگام طرح جنگی شلیفن آلمان</p> <p>۳) تغییر رهبر واقعی نیروهای مسلح آلمان (مولتکه)</p> <p>۴) خستگی نیروهای مانوری آلمان به دلیل طی مسافت طولانی</p> <p>۵) در دسترس بودن جناحین یگان‌های آلمانی در حین عملیات</p> <p>۶) بهره‌برداری سریع و به موقع متفقین از فرصت پیش آمده (انجام مانور احاطه‌ای)</p> <p>۷) عدم خروج زود هنگام فرانسه از رزم برابر پیش‌بینی‌های طرح شلیفن (مانابی فرانسه در رزم تا خاتمه جنگ)</p>	
شکست یا انهدام ارتش‌های روس در منطقه بصورت متوالی و مرحله‌ای	اجرای همزمان پرده پوشش و مانور احاطه‌ای دوطرفه	به کارگیری ارتش هشتم آلمان	<p>پس از تغییر در سیستم مدیریت و فرماندهی ارتش آلمان در جبهه شرق، فرمانده جدید ارتش هشتم آلمان در ۲۶ اوت ۱۹۱۴ م، ضمن لغو فرمان عقب‌نشینی</p>	بزرگ‌تان: ۲۶ تا ۳۱ اوت ۱۹۱۴ م؛ طرفین (آلمان) - روس

<p>انهدام مرحله‌ای و متوالی دشمن</p>	<p>پرده پوشش + مانور احاطه‌ای</p>	<p>نیروی رزهی در قالب ارتش</p>	<p>فرمانده سابق، تصمیم گرفت از جدا بودن ارتش‌های یکم و دوم شوروی استفاده کرده و آنها را یکی پس از دیگری منهدم نماید. لذا با ابتدا با قرار دادن یک مرکز مقاومت نازک در برابر نیروهای متراکم ارتش دوم روس (و همچنین پرده پوشش نازک در برابر ارتش یکم روس) و در همان حال با دو گروه فوق‌العاده قوی به جناحین ارتش دوم روس حمله نمود و پس از درهم کوبیدن آن، ارتش یکم روس را نیز به همان سبک منهدم ساخت. دلایل این موفقیت را می‌توان چنین برشمرد:</p> <p>۱) بهره‌برداری دقیق و هوشمندانه آلمان‌ها از شکاف قابل ملاحظه بین دو ارتش یکم و دوم روس‌ها</p> <p>۲) تغییر مکان و مانورهای جسورانه آلمان‌ها در میدان رزم</p> <p>۳) رهبری و فرماندهی صحیح آلمان‌ها (هیندنبورگ)</p> <p>۴) بی‌کفایتی و ضعف فرماندهان عالی روس‌ها</p> <p>ضعیف بودن ستادهای ارتش‌های روس</p> <p>۵) شناسایی‌های غلط روس‌ها از منطق رزم</p> <p>۶) عدم تأمین و ضعف سیستم‌های مخابراتی و نارسایی‌های آماد و پشتیبانی روس‌ها</p> <p>و سرانجام نتایج زیر حاصل شد:</p> <p>۱) کسب هدف توسط متحدین و پیشروی در شرق</p>
--------------------------------------	-----------------------------------	--------------------------------	--

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
			<p>۲) شکست اعتماد متفقین به روس‌ها (شکست دو ارتش روس توسط یک ارتش آلمانی)</p> <p>۳) ارتقاء سطح روحیه نیروهای آلمانی از جبران شکست در جبهه غرب (نبرد مارن)</p> <p>۴) فرو رفتن روس‌ها در لاک ترس و عقده حقارت</p>	
<p>پیشروی متحدین در شرق به منظور جبران توقفشان در غرب</p>	<p>اجرای رخنه و احاطه</p>	<p>۱) به کارگیری دو ارتش ۱۲ آلمان و ۱۱ آلمان (تقویت شده توسط نیروهای اتریش)</p> <p>۲) اجرای ۴ ساعت آتش تهیه در جبهه‌ای بطول ۲۸ مایل بر روی ارتش روس ۳</p>	<p>با تغییر رویکرد ارتش آلمان از جبران توقف در غرب، به سوی پیشروی در شرق، ارتش ۱۲ آلمان به ماموریت خود در حفظ نیروهای شمالی روس در موضع ادامه داده و ارتش ۱۱ آلمان به دنبال اجرای ۴ ساعت آتش تهیه در جبهه‌ای بطول ۲۸ مایل بر روی ارتش ۳ روس تک نموده و آنها را در هم شکستند. که می‌توان علل این موفقیت‌ها را به شرح زیر برشمرد:</p> <p>۱) تقویت جبهه شرق از سوی آلمان از طریق جابجایی نیرو از جبهه غرب (فرانسه)</p> <p>۲) تشکیل یگان‌های جدید مشترک توسط متفقین (آلمان و اتریش)</p>	<p>آفند (بهار - تابستان) مه تا اوت ۱۹۱۵ (تقویت نیروهای آلمان در جبهه شرق - آوریل ۱۹۱۵)؛ طرفین (متحدین: آلمان و اتریش) - روس</p>

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
حفظ دور تک - حفظ روحیه آفندی نیروها	رخنه و احاطه	نیروی رزهی مربک ترکیبی در قالب گروه ارتش	<p>۳) اجرای آتش‌های انبوه و سنگین تهیه طولانی مدت در جبهه وسیع از سوی آلمان‌ها</p> <p>۴) هماهنگی ستادی عالی در متحدین</p> <p>۵) اجرای عملیات‌های غیرمنظم و متناوب اتریشی‌ها</p> <p>۶) رهبری ضعیف روس‌ها</p> <p>۷) فقدان سلاح، مهمات و آمادها در جبهه روس‌ها</p> <p>همچنین نتایج این نبرد به شرح زیر می‌باشند:</p> <p>۱) کسب هدف و پیشروی ۳۰۰ مایلی متحدین در خاک شوروی</p> <p>۲) بازپس‌گیری پادگان پرزمیسلا از روس‌ها</p> <p>۳) برکناری نیکلا؛ فرمانده روسی از سمت فرماندهی و تبعید وی به جبهه قفقاز</p>	
<p>۱) معطوف کردن توجه نیروهای دشمن به صحنه نبرد و از پای درآوردن آنها از سوی متحدین (تهدید شهر وردن= راه انداختن نبرد فرسایشی)</p> <p>۲) حفظ نیروهای فرانسوی در جبهه خود به منظور جلوگیری از تقویت جبهه متفقین در شرق از سوی آنها</p>	اجرای تک‌ها و پاتک‌های محدود	<p>۱) به کارگیری ارتش پنجم آلمان</p> <p>۲) استفاده از گاز شیمیایی فسژن برای اولین بار از سوی آلمان‌ها</p> <p>۳) استفاده از آتش توپخانه سنگین و طولانی مدت در عملیات از سوی آلمان‌ها</p>	<p>در سال ۱۹۱۶ م، استراتژی عمده آلمان، بر جنگ فرسایشی متمرکز بود تا با معطوف کردن توجه نیروهای دشمن به صحنه نبرد (تهدید شهر وردن)، او را از پای درآورد. بر همین اساس ارتش پنجم آلمان که با یک میلیون نفر و ۲۰۰۰ قبضه توپ از منطقه وردن محافظت می‌نمود، در ۲۱ فوریه ۱۹۱۶ م پس از ۱۲ ساعت آتش تهیه توپخانه در ساحل راست رودخانه موز، تک خود را که در سه مرحله طراحی شده بود، (بیش از ۱۰ ماه به طول انجامید) به سمت وردن و دژها و استحکامات پدافندی آن آغاز نمود. هر چند موفقیت‌هایی در مراحل اولیه از عملیات</p>	نبرد وردن؛ ۲۱ فوریه تا ۱۸ دسامبر ۱۹۱۶ م؛ طرفین (آلمان - فرانسه)

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
فرسایشی کردن جنگ + حفظ دشمن در موضع	تک و پاتک‌های محدود	نیروی رزهی در قالب ارتش + عوامل شیمیایی + آتش	<p>در سایه آتش سنگین توپخانه و استفاده از سلاح‌های شیمیایی کسب نمود اما بنا بر دلایلی چون:</p> <p>(۱) آغاز عملیات آفندی بروسلف متفقین در شرق تحت فشار تقاضاهای فرانسه</p> <p>(۲) انتقال ۱۵ لشکر آلمان از وردن به جبهه شرق جهت تقویت متحدین</p> <p>(۳) تعویض سریع و هوشمندانه لشگرهای در خط فرانسوی بمنظور استراحت و تمدید قوا و جلوگیری از فرسوده شدن آنها</p> <p>(۴) کاهش و تضعیف یگان‌های در خط آلمان بر اثر انتقال به جبهه شرق</p> <p>(۵) حضور طولانی مدت یگان‌های در خط آلمان در منطقه و فرسودگی آنها</p> <p>این عملیات ناموفق بود و نتایج زیر را به دنبال داشت:</p> <p>(۱) شکست استراتژی فرسایشی آلمان</p> <p>(۲) ارتقاء فرمانده ارتش فرانسه (پتن) به فرماندهی گروه ارتش هایدلبرگ توفیق در توقف عملیات آلمان‌ها در وردن</p> <p>(۳) برکناری فالکنهاین از ریاست ستاد کل ارتش آلمان</p> <p>(۴) اتخاذ موضع پدافندی از سوی آلمان در جبهه غرب</p>	

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تجزیه نیروهای متفقین و انهدام یکی پس از دیگری آنها	(۱) تک به خطوط حد میان نیروهای متفقین جهت ایجاد رخنه (۲) توسعه رخنه و جداسازی یا تجزیه نیروهای دشمن (۳) به کارگیری تاکتیک هوتیر ^۱ توسط یگان‌های ویژه ضربت آلمان‌ها برای ایجاد رخنه	(۱) به کارگیری ارتش‌های ۱۷، ۱۸ و ۲ آلمان‌ها (۲) اجرای آتش تهیه سنگین و طولانی مدت توسط آلمان‌ها	طی این نبرد، آلمانی‌ها در سپیده دم ۲۱ مارس ۱۹۱۸ م، با ۳ گروه ارتش با هدف ایجاد رخنه در مواضع انگلیسی‌ها و راندن آنها به سمت شمال و جدا کردن آنها از نیروهای فرانسوی و نهایتاً تهدید پاریس، به جناح راست انگلیسی‌ها (ارتش سوم) و ارتش ششم فرانسه تک نمودند و موفقیت‌هایی را در آغاز در سایه کاربرد ۵ ساعت آتش تهیه با بیش از ۶۰۰۰ قبضه توپ و یگان‌های ضربت آموزش دیده به دست آوردند اما بنا بر عللی به شرح زیر	آند سیم؛ طرفین: آلمان - فرانسه و انگلیس

۱. تاکتیکی جهت ایجاد نفوذ و رخنه در مواضع پدافندی دشمن با استفاده از گروه‌های مسلح کوچکی از پیاده نظام تحت پشتیبانی توپخانه منظم و طراحی مناسب جهت دور زدن یا ایجاد شکاف بمنظور پیشروی گروه‌های بزرگتر.

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تجزیه و انهدام مرحله‌ای و متوالی دشمن	تک + رخنه	نیروی رزهی در قالب گروه ارتش + آتش	این نبرد نیز برای آلمانی‌ها شکست به همراه داشت: (۱) انتصاب «فوش» بعنوان هماهنگ کننده جبهه غرب متفقین و ترمیم رخنه ایجاد شده توسط ایشان (۲) انتصاب «فوش» بعنوان فرمانده کل نیروهای متفقین در جبهه غرب در مرحله بعد و ایجاد وحدت فرماندهی (۳) استفاده از نیروهای تازه نفس آمریکایی در رزم (۸ لشکر) (۴) تعویض فرماندهی نیروهای انگلیسی در جبهه غرب و جلوگیری از گرایشات تجزیه طلبانه (۵) عدم تحرک آماد و پش آلمان‌ها در حین پیشروی (۶) عدم تحرک استراتژیک آلمان‌ها در تقویت نیروهایشان در خط (۷) فقدان پشتیبانی آتش تاکتیکی بموقع و مؤثر حین تک و پیشروی از سوی آلمان‌ها	

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
<p>(۱) تصرف و اشغال ارتفاعات «موز» (کنترل مرکز آمادی حیاتی آلمان و نقطه تقاطع راه آهن)</p> <p>(۲) تصرف تقاطع راه آهن «آل نویی»</p> <p>(۳) آفند در «فلاندر» بین «لافر» و «پرون»</p>	<p>دو تک اصلی و دو نفوذ مضاعف به همراه تک‌های پشتیبانی</p>	<p>گروه ارتش‌های متفقین شامل: - ارتش یکم آمریکا - ارتش چهارم فرانسه - گروه ارتش‌های مختلط انگلیس، بلژیک و فرانسه</p>	<p>این نبرد که با طرح «فوش» (فرمانده کل نیروهای متفقین در جبهه غرب) آغاز گردید، شامل دو تک اصلی و دو نفوذ مضاعف بود. یکی از این دو تک با نیروهای آمریکایی - فرانسوی از منطقه «وردن» به سمت «مزی‌یر»، مرکز آمادی حیاتی آلمان و نقطه تقاطع راه آهن بود. تک دیگر، آفند انگلیسی‌ها بین «پرون» و «لنس» و هدف آن تصرف تقاطع راه آهن «آل‌نویی» بود. با تصرف این دو تقاطع عمده راه آهن، وضعیت آماد و پشتیبانی کلیه نیروای آلمانی در جبهه غرب به مخاطره می‌افتاد. تک پشتیبانی نیز توسط</p>	<p>آفند نواحی فوش؛ طرفین (متفقین - آلمان)</p>

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تصرف و اشغال نقاط حیاتی و استراتژیک مؤثر در رزم	آفند هجومی به همراه تک‌های پشتیبان	نیروی رزمی در قالب گروه‌های ارتش مشترک و مختلط	<p>گروه ارتش‌های مختلط بلژیک، انگلیس، فرانسه باید در «فلاندر» بین «لافر» و «پرون» اجرا شود. این عملیات موفقیت‌آمیز بود و به پایان جنگ جهانی اول انجامید. علل موفقیت و نتایج آن به شرح زیر می‌باشد. علل موفقیت:</p> <p>(۱) وحدت فرماندهی در جبهه متفقین (۲) سقوط و از بین رفتن نقاط مهم حیاتی و تدارکاتی آلمان و عدم امکان پشتیبانی (۳) ضعیف بودن روحیه نیروهای آلمان بواسطه شکست‌های پی در پی قبلی (۴) روحیه و انگیزه بالای متفقین بواسطه پیروزی‌های پی در پی قبلی (۵) تقویت و پشتیبانی مادی و معنوی نیروهای متفقین از سوی آمریکا و انگلیس نتایج عملیات:</p> <p>(۱) متارکه و پایان جنگ جهانی اول (۲) مبرهن شدن نقش آمریکا بعنوان عامل حیاتی پیروزی نهایی بر آلمان و متفقین (۳) تسلیم آلمان و تخلیه فوری سرزمین‌های اشغال شده به متفقین (۴) تحویل حجم انبوهی از ادوات و تجهیزات رزم زمینی آلمان به متفقین (۵) تحویل کلیه کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌های آلمان به متفقین (۶) آغاز سرپیچی، نافرمانی و شورش ملهم از کمونیست‌ها در آلمان (۷) روی کار آمدن یک حکومت جمهوری سوسیالیستی در آلمان (۸) فرار قیصر آلمان (امپراتور آلمان و پادشاه پروس) به هلند</p>	

جدول ۳: تجزیه و تحلیل راهبرد نبردهای زمینی جنگ جهانی دوم

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
<p>(۱) محاصره و انهدام نیروهای ارتش لهستان در خم رودخانه ویستولا (۲) پیشروی از جناحین و تصرف تمام خاک لهستان در باختر برست لیتووسک و رودخانه باگ</p>	<p>(۱) اجرای تک احاطه دو طرفه توسط آلمان (۲) اجرای رخنه عمیق و با سرعت بالای آلمان در عمق خاک لهستان</p>	<p>۵ ارتش آلمان (۳، ۴، ۱۴، ۸ و ۱۰) بعلاوه یگانهایی از ارتش شوروی با حمایت نیروی هوایی آلمان</p>	<p>طرح آلمان برای آغاز جنگ جهانی دوم با اشغال لهستان طی دو مرحله صورت گرفت. مرحله اول محاصره و انهدام نیروهای ارتش لهستان در خم رودخانه ویستولا و مرحله دوم پیشروی از پروس خاوری به سمت جنوب و از اسلواکی به سمت شمال به منظور تصرف تمام خاک لهستان در باختر برست لیتووسک و رودخانه باگ و نهایتاً استفاده از موفقیت با اشغال شرق لهستان توسط ارتش روس قرار بود انجام گیرد همچنین نیروی هوایی آلمان ماموریت داشت، نخست با انهدام نیروی هوایی لهستان، برتری هوایی</p>	<p>طرح آلمان در تصرف لهستان در ابتدای جنگ؛ طرفین آلمان و شوروی - لهستان</p>

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
انهدام نیروهای دشمن + تصرف کامل هدف	مانور رخنه‌ای و احاطه‌ای	نیروی رزمی مرکب ترکیبی در قالب گروه ارتش‌ها	<p>را کسب و سپس انهدام راه آهن و مناطق حساس و برهم زدن سلسله مراتب فرماندهی در کل ارتش لهستان و پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای پیشروی کننده در خطوط مقدم جنگ را بر عهده داشت. سرانجام عملیات در بامداد روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ م با هجوم هوایی و زمینی آلمان (۵ گروه ارتش) آغاز و بنابر دلایل زیر موفقیت آمیز بود:</p> <p>(۱) ایجاد اختلال و از هم گسیختگی در سیستم پدافندی لهستان بر اثر سرعت فوق العاده امکانات مکانیزه آلمانها</p> <p>(۲) همکاری و هماهنگی موفقیت آمیز میان هواپیماها و نیروهای زرهی آلمانها</p> <p>(۳) ناکارآمدی پدافند خطی و موانع پدافندی در مقابل تکه‌های زرهی</p> <p>(۴) مشکل بودن اجرای پاتک در مقابل تکه‌های زرهی</p> <p>(۵) تمرکزی عمل کردن ارتش لهستان در مقابل حملات برق‌آسای زرهی آلمان‌ها آنهم در یک منطقه وسیع</p> <p>(۶) غافلگیر شدن لهستان از حمله برق‌آسا و تاکتیک متفاوت آلمان</p> <p>نتایج عملیات:</p> <p>(۱) تسلیم لهستان</p> <p>(۲) تقسیم لهستان بین آلمان و شوروی</p>	

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
<p>(۱) تقویت پدافند لیننگراد در مقابل آفند احتمالی آلمانها با استفاده از جزایر و یا پایگاههای فنلاندی (۲) تکمیل خطوط و یا زنجیره پدافندی شوروی در غرب با استفاد از فنلاند و کشورهای کنار دریای بالتیک</p>	<p>اجرای آتش سنگین و سپس نفوذ</p>	<p>بمباران شدید و ایجاد آشفتنگی در مردم و طبقه کارگری جهت راهاندازی انقلاب کمونستی بر علیه حکومت فنلاند و در نهایت سرنگونی حکومت</p>	<p>بدلیل سرپیچی فنلاند از خواسته‌های شوروی، شوروی در روز ۳۰ نوامبر ۱۹۳۹ م، بدون اعلان قبلی با هدف: (۱) تقویت پدافند لیننگراد در مقابل آفند احتمالی آلمانها با استفاده از جزایر و یا پایگاههای فنلاندی (۲) تکمیل خطوط و یا زنجیره پدافندی شوروی در غرب با استفاد از فنلاند و کشورهای کنار دریای بالتیک؛ در ادامه یک تکه گسترده هوایی، تکه زمینی خود را با بیش از ۲۹ لشکر پیاده و زرهی و با اجرای آتش سنگین و سپس نفوذ آغاز نمود. طرح میهم روس‌ها عبارت بود از: بمباران شدید و ایجاد آشفتنگی در مردم</p>	<p>شوروی - فنلاند؛ طرفین (شوروی - فنلاند)</p>

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ایزار		
تحکیم پدافند از نقاط حساس	مانور نفوذی + مانور جبهه‌ای + مانور رخنه‌ای	بمباران شدید غیر نظامیان جهت تحریک آنان علیه حکومت مرکزی + اقدام در قالب بیش از ۲۹ لشکر پیاده و زرهی	<p>و طبقه کارگری جهت راه‌اندازی انقلاب کمونیستی بر علیه حکومت فنلاند و در نهایت سرنگونی حکومت. و نهایتاً اجرای این طرح بدلیل:</p> <p>(۱) مبهم بودن طرح شوروی در اشغال یا تصرف فنلاند (۲) مقاومت سرسختانه فنلاندیها با استفاده از موانع طبیعی و مصنوعی زمین (۳) تلاش فنلاندیها جهت وارد آوردن حداکثر تلفات و ضایعات به ارتش شوروی تا رسیدن کمکهای سایر کشورها (۴) اعزام انبوهی از ادوات و تجهیزات و نیروها در سرزمین باتلاق و نامناسبی چون فنلاند از سوی شوروی (۵) چابکی نیروهای فنلاندی و اقدامات غیر تمرکزی آنها بر علیه ارتش شوروی نتایج زیر را بهمراه داشت:</p> <p>(۱) انهدام مواضع و ایجاد رخنه در خطوط پدافندی مانرهایم و عقب‌نشینی فنلاندیها (۲) انعقاد پیمان صلح بین شوروی و فنلاند (۳) شکست نظریه استراتژی هوایی موسولینی در تسلیم فنلاند (شکست دشمن تنها از طریق هوا) (۴) مبرهن شدن تناسب جنگ افزار و فناوری با شرایط جو، زمین و دشمن (۵) موفقیت قدرت تحرک و سرعت عمل نسبت به آتش و همچنین در مکانها و شرایط محدود کننده (۵) آشکار شدن ضعف روسها در فرماندهی، امور اداری و بینش استراتژیک و تاکتیکی (۶) آشکار شدن توان رزم ارتش شوروی به هیتلر جهت بهره‌برداری از فرصت ایجاد شده علیه شوروی</p>	

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تصرف اروپای باختری توسط هیتلر (۴ کشور هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و فرانسه)	اجرای طرح زرد آلمان طی دو مرحله: مرحله اول: (۱) تک بر علیه هلند و بلژیک (۲) کشاندن ارتش‌های متفقین به سمت بلژیک و هلند (۳) تک و پیشروی به سمت کالاس در کنار دریای مانس با هدف قطع ارتباط نیروهایی از متفقین که وارد بلژیک شده بودند با عقبه آنها مرحله دوم: دور زدن خط ماژینو از شمال به طرف شرق پاریس و تصرف پاریس	به کارگیری ۱۳۶ لشگر زمینی، ۲۷۰۰ تانک و خودرو زرهی به همراه بیش از ۲۰۰۰ بمب افکن و ۴۰۰۰ شکاری	طرح آلمان برای تصرف اروپای غربی (طرح زرد) با به کارگیری ۱۳۶ لشگر زمینی، ۲۷۰۰ تانک و خودرو زرهی به همراه بیش از ۲۰۰۰ بمب افکن و ۴۰۰۰ شکاری، در دو مرحله طراحی شده بود: مرحله اول: (۱) تک بر علیه هلند و بلژیک (مانور جبهه‌ای) (۲) کشاندن ارتش‌های متفقین به سمت بلژیک و هلند (۳) تک و پیشروی به سمت کالاس در کنار دریای مانس با هدف قطع ارتباط نیروهایی از متفقین که وارد بلژیک شده بودند با عقبه آنها (مانور رخنه‌ای) مرحله دوم: دور زدن خط ماژینو از شمال به طرف شرق پاریس و تصرف پاریس (مانور احاطه ای یکطرفه) که این طرح بنا بر دلایل زیر موفقیت آمیز بود: (۱) طرح جسورانه و متهورانه آلمان در تصرف اروپای غربی (۲) اجرای مطلوب طرح در میدان عمل از سوی آلمان (۳) اتکا فرانسویان به خط ماژینو که تحرک، ابتکار و روحیه آفندی را از آنان سلب نمود.	۸. نبرد در باختر اروپا - ۱۰ مه ۱۹۴۰ م. طرفین (آلمان - هلند، بلژیک، فرانسه و انگلیس)

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تصرف اهداف استراتژیک سرنوشت ساز	مانور جبهه‌ای + مانور رخنه‌ای + مانور احاطه‌ای یکطرفه	اقدام در قالب لشگرهای پیاده و زرهی + با پستوانه هوایی	<p>۴) غافلگیر شدن متفقین نسبت به درک تک اصلی آلمانها و ضعیف بودن در مکانی که می‌بایستی قوی باشند و بلعکس.</p> <p>۵) انسجام و هماهنگی مؤثر بین تانک و هوایما بعنوان ابزار اصلی سرعت در ارتش آلمان</p> <p>۶) تمرکز و استقلال نیروی زرهی بصورت گروه‌های پانزر در ارتش آلمان و پراکندگی تانک‌ها در جبهه متفقین.</p> <p>نتایج عملیات:</p> <p>۱) فتح اروپای غربی توسط هیتلر ظرف ۶ هفته</p> <p>۲) مبرهن شدن برتری سیاست و استراتژی نظامی آلمان نسبت به متفقین (هدف آلمانها روشن، قطعی و قابل دستیابی بود)</p> <p>۳) از هم پاشیدگی روحیه متفقین و سقوط کامل آن تا پایان جنگ</p> <p>۴) افزایش میل به پیروزی آلمان در جنگ و عکس آن در جبهه مقابل.</p>	

<p>بهرنگ با شوروی (عملیات بارباروسا)؛ طرفین آلمان و کشورهای اشغال شده - شوروی با حمایت متفقین</p>	<p>آلمان در ساعت ۳ بامداد روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱م، با به کارگیری ۳ گروه ارتش شامل ۱۹۲ لشکر (۱۳۷ لشکر پیاد، ۱۷ لشکر زرهی، ۱۲ لشکر موتوری در خط و ۲۶ لشکر در احتیاط) با پشتیبانی کامل نیروهای هوایی با کسب غافلگیری تاکتیکی شوروی شوروی را مورد هجوم سراسری قرار داد و برابر طرح، تصمیم داشت شوروی را از صحنه جنگ خارج سازد پیش از آنکه انگلستان به اندازه کافی خود را ترمیم نماید و به شوروی کمک کند یا آمریکا وارد جنگ شود لذا منظور آلمان، محروم نمودن شوروی از مناطق حیاتی خود در باختر و کاهش قابل توجه قدرت اقتصادی و نهایتاً قدرت نظامی او در برابر آلمان بود. که این عملیات در سه مرحله اجرا گردید و بنابر دلایل زیر ناموفق بود:</p> <p>(۱) تاخیر آلمان در آغاز آفند علیه شوروی به سبب درگیری این کشور در بالکان و از دست رفتن فرصت (۲) برآور ضعیف آلمانی‌ها بویژه هیتلر از شوروی و قدرت ملی آن</p> <p>(۳) اختلاف نظر هیتلر با فرماندهان عالی آلمان در انتخاب اهداف نظامی استراتژیک، طراحی و حتی مراحل تاکتیکی</p> <p>(۴) سرسختی هیتلر در حفظ مواضع و ندادن آزادی عمل به فرماندهان در عقب‌نشینی به مواضع مطمئن‌تر و یا آفند متقابل در شرایط مناسب‌تر که تلفات نیروی انسانی زیادی را به دنبال داشت</p> <p>(۵) متناسب نبودن وسیله و هدف در استراتژی نظامی آلمان (گسترده بودن اهداف آلمان در شوروی درعین پراکندگی زیاد نیروهای آلمان در غرب و شرق)</p> <p>(۶) اشغال ایران توسط متفقین و کمک‌رسانی به شوروی از طریق آن</p> <p>(۷) دخالت بیش از حد هیتلر در کار فرماندهان نظامی و تعویض فرماندهان لایق و حقیقت‌بین با افسران کم تجربه اما مطیع</p>	<p>۳ گروه ارتش شامل ۱۹۲ لشکر (۱۳۷ لشکر پیاد، ۱۷ لشکر زرهی، ۱۲ لشکر موتوری در خط و ۲۶ لشکر در احتیاط) با پشتیبانی کامل نیروهای هوایی</p>	<p>مرحله اول:</p> <p>(۱) گروه ارتش‌های شمالی با دو ارتش و یک گروه زرهی مرکب از چهار لشکر تانک؛ آغاز پیشروی از پروس خاوری به سمت لنینگراد</p> <p>(۲) گروه ارتش‌های مرکزی با سه ارتش و دو گروه زرهی مرکب از ده لشکر تانک؛ آغاز پیشروی از شمال باتلاق «پریپت» در خاک لهستان به سمت مینسک و مسکو</p> <p>(۳) گروه ارتش‌های جنوبی با دو ارتش آلمانی و یک ارتش آلمانی-رومانیایی و یک گروه زرهی مرکب از چهار لشکر تانک؛ آغاز پیشروی از جنوب باتلاق «پریپت» در خاک لهستان به سمت کیف مرکز اوکراین</p> <p>مرحله دوم: تغییر ناگهانی و بدون مشورت ماموریت</p>	<p>اهداف اولیه:</p> <p>(۱) تصرف لنینگراد، مسکو و کیف</p> <p>(۲) بیرون راندن شوروی از صحنه جنگ پیش از آنکه انگلستان بتواند خودش را ترمیم کرده و به شوروی کمک کند یا آمریکا وارد جنگ شود.</p> <p>(۲) محروم نمودن شوروی از مناطق حیاتی خود در باختر و کاهش قابل توجه قدرت اقتصادی آن</p> <p>(۳) تضعیف قدرت نظامی شوروی در مقابل آلمان با الحاق مناطق حیاتی شوروی به رایش</p> <p>اهداف ثانویه:</p> <p>(۱) تصرف و حفظ چهارضلعی ورونژ، ساراتف، استالینگراد و روستف</p> <p>(۲) دستیابی به قفقاز و باکو (منابع و ذخایر انرژی)</p> <p>اهداف ثالث:</p>
---	---	---	---	--

<p>تلاش برای حفظ متصرفات و عدم عقب‌نشینی</p>	<p>گروه ارتش‌های مرکزی توسط هینلر و تقویت ارتش‌های شمالی و جنوبی با بکارگیری آنها مرحله سوم: عقب‌نشینی‌های اجباری و یا بدون دستور گروه‌های ارتش آلمان</p>		<p>۸) تاثیر بمباران استراتژیک و سهمگین‌متفقین بر روی کارخانه‌های تولید جنگ‌افزار و صنایع آلمان و کاهش تولید و یا از کار انداختن آنها</p> <p>۹) پایداری و وفاداری ارتش و مردم شوروی در دفاع از کشور و رهبری مؤثر زمامداران آن کشور</p> <p>۱۰) عدم آمادگی آلمانها برای مقابله با یک جنگ فرسایشی و تکیه بیش از حد بر جنگ برق‌آسا</p> <p>۱۱) تحلیل توان آلمان در تامین تدارکات سوخت، مهمات و ...</p> <p>۱۲) وارد عمل شدن آمریکا به جنگ با ژاپن و رفع نگرانی شوروی از بابت تهدیدات ژاپن</p> <p>نتایج عملیات:</p> <p>۱) شکست آلمان از شوروی و عدم تحقق هیچ یک از اهداف آلمان</p> <p>۲) افزایش حس اعتماد به نفس شوروی‌ها بر خلاف جنگ جهانی اول</p> <p>۳) کاهش اعتماد مردم به نازیسم در اروپا</p>
--	---	--	---

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تضعیف قدرت اقتصادی و نظامی دشمن	تک جبهه‌ای و احاطه دوطرفه (و ترکیبی از احاطه‌های کوچک در دل آن) + عقب‌نشینی اجباری	نیروی رزمی مرکب ترکیبی در قالب گروه ارتش‌ها + تکیه بر تحرک به جای آتش + پشتوانه کامل نیروی هوایی		
آزادسازی پاریس و ادامه تک به سمت برلین	(۱) بمباران کامل سواحل غربی فرانسه (۲) پیاده کردن نیرو در سواحل و پل‌های منطقه بمنظور اشغال سرپل و نقاط حساس منطقه (۳) توسعه سرپل (۴) آغاز تک به سمت خاور و پاریس	به کارگیری ۴۵ لشکر زمینی به پشتیبانی ۱۲۰۰۰ فروند هواپیما و ۶۰۰۰ کشتی و انواع قایق‌ها	این عملیات در ششم ژنون ۱۹۴۴م، توسط متفقین (آمریکا و انگلیس) با هدف آزادسازی پاریس و ادامه تک به سمت برلین با به کارگیری ۴۵ لشکر زمینی به پشتیبانی ۱۲۰۰۰ فروند هواپیما و ۶۰۰۰ کشتی و انواع قایق آغاز و از طریق: (۱) بمباران کامل سواحل غربی فرانسه (۲) پیاده کردن نیرو در سواحل و پل‌های منطقه بمنظور اشغال سرپل و نقاط حساس منطقه (۳) توسعه سرپل (۴) آغاز تک به سمت خاور و پاریس صورت گرفت که بنا بر دلایل زیر موفق بود: (۱) برتری کامل هوایی متفقین بر آلمان (۲) کند بودن تحرک آلمانها در منطقه بواسطه از بین رفتن خطوط ارتباطی آنها از قبل	عملیات اورلورد (تک به اروپا)؛ طرفین (متفقین آمریکا و انگلیس) - آلمان

راهبرد (مضمون)			متن انتخابی از حجم نمونه	نبرد
هدف	روش	ابزار		
تأمین هدف و ادامه تک	مانور قائم + تک جبهه‌ای	نیروی رزمی در قالب لشکر + به پشتوانه نیروی هوایی و دریایی + آتش	۳) اخلاص و پیچیدگی در سیستم فرماندهی آلمان در به کارگیری سریع و بموقع نیروهای احتیاط ۴) غافلگیری کامل آلمان‌ها از مکان فرود آمدن نیروهای متفقین در سواحل نرماندی ۵) موقعیت جغرافیایی نرماندی که قابلیت مانور نیروها را به در اختیار داشتن پل‌های روی دو رودخانه «لوار» و «سن» می‌نمود نتایج عملیات: تحقق هدف آزادسازی پاریس و ادامه تک به سمت برلین	

۴. نتیجه‌گیری سؤال اول تحقیق: عناصر راهبردهای نظامی متحدین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم به چه صورت بوده است؟ پاسخ به این سوال در دو جدول زیر به شکل کامل ارائه گردیده است:

جدول ۴: راهبرد نظامی متحدین در جنگ جهانی اول

الف - راهبرد نظامی متحدین در جنگ جهانی اول		
هدف	روش	ابزار
۱. عبور از موانع ۲. انهدام مرحله‌ای و متوالی دشمن ۳. حفظ دور تک ۴. حفظ روحیه آفندی نیروها ۵. فرسایشی کردن جنگ ۶. حفظ دشمن در مواضع ۷. تجزیه و کانالیزه نمودن دشمن	۱. انواع تک‌های بکار رفته شامل: تک روزانه؛ تک شبانه. ۲. انواع مانورهای بکار رفته شامل: مانور رخنه‌ای؛ مانور احاطه‌ای ۳. اقدامات تأمینی بکار رفته برای پدافند شامل: اجرای پرده پوشش؛ پاتک‌های محدود	۱. ارتش مبنای رزم بوده است. ۲. متناسب با اندازه هدف، ارتش یا گروه ارتش‌ها مورد استعمال قرار گرفته است. ۳. از نیروهای رزمی کشورهای اشغال شده، جهت تقویت ساختار یگان‌های خود استفاده نموده است. ۴. در بکارگیری ابزار، به رعایت حقوق جنگ پایبند نبوده است (استفاده از عامل شیمیایی فسژن). ۵. استفاده از حجم انبوه آتش توپخانه در اولویت قرار داشته است. ۶. از تاکتیک هوتیر با استفاده از گروه‌های کوچک پیاده برای ایجاد رخنه، دور زدن دشمن و یا احاطه استفاده شده است.

جدول ۵: راهبرد نظامی متحدین در جنگ جهانی دوم

ب - راهبرد نظامی متحدین در جنگ جهانی دوم		
هدف	روش	ابزار
<p>۱. انهدام نیروهای دشمن</p> <p>۲. تصرف کامل هدف</p> <p>۳. تحکیم پدافند از نقاط حساس</p> <p>۴. تصرف مناطق حساس و استراتژیکی مانند لنینگراد، مسکو، کیف و حفظ چهارضلعی ورونژ، ساراتف، استالینگراد و روستف</p> <p>۵. خارج نمودن شوروی از رزم پیش از آنکه انگلستان بتواند خودش را ترمیم کرده و به شوروی کمک کند.</p> <p>۶. کاهش قدرت اقتصادی شوروی</p> <p>۷. تضعیف قدرت نظامی شوروی</p> <p>۸. دستیابی به قفقاز و باکو (منابع و ذخایر انرژی)</p> <p>۹. تلاش برای حفظ متصرفات و عدم عقب‌نشینی</p> <p>• در انتخاب اهداف به همه جنبه‌های آن اعم از نظامی و غیر نظامی توجه شده است.</p>	<p>۱. انواع مانورهای بکار رفته شامل: مانوررخنه‌ای؛ مانور احاطه‌ای؛ مانور نفوذی؛ مانور جبهه‌ای</p> <p>۲. اقدامات تأمینی بکار رفته برای پدافند شامل: عقب‌نشینی اجباری</p>	<p>۱. عمدتاً لشکر مبنای رزم بوده است.</p> <p>۲. نیروی رزمی مرکب ترکیبی در قالب گروه ارتش‌ها مورد استعمال قرار گرفته است.</p> <p>۳. بمباران غیرنظامیان با اهداف استراتژیکی صورت گرفته است.</p> <p>۴. تحرک نسبت به آتش اولویت داشته است (استفاده از لشکرهای زرهی)</p> <p>۵. عملیات‌ها عمدتاً با پشتوانه هوایی صورت گرفته است (بمباران هوایی جایگزین آتش توپخانه)</p> <p>۶. عمق میدان نبرد بدلیل جایگزینی بمباران هوایی با توپخانه زمینی افزایش یافته است.</p>

سؤال دوم تحقیق: عناصر راهبرد نظامی متفقین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم

به چه صورت بوده است؟ عناصر مذکور در سه حوزه ابزار، روش و هدف عبارتند از:

جدول ۶: راهبرد نظامی متفقین در جنگ جهانی اول

الف - راهبرد نظامی متفقین در جنگ جهانی اول		
هدف	روش	ابزار
۱. ممانعت از ورود دشمن به مناطق استراتژیک سرنوشت ساز ۲. تصرف و اشغال نقاط حیاتی و استراتژیک مؤثر در رزم	۱. انواع تک‌های بکار رفته شامل: تک‌های روزانه؛ تک‌های پشتیبان. ۲. انواع مانورهای بکار رفته شامل: مانور احاطه‌ای؛ مانور جبهه‌ای.	۱. ارتش مبنای رزم بوده است. ۲. متناسب با اندازه هدف، ارتش یا گروه ارتش‌ها مورد استعمال قرار گرفته است. ۳. از نیروهای رزمی کشورهای متفق، به صورت مجزا و یا مختلط در کنار یگان‌های خود استفاده نموده است.

جدول ۷: راهبرد نظامی متفقین در جنگ جهانی دوم

ب - راهبرد نظامی متفقین در جنگ جهانی دوم		
هدف	روش	ابزار
۱. آزادسازی پاریس و ادامه تک به سمت برلین ۲. در انتخاب اهداف به جنبه‌های غیر نظامی بیش از جنبه‌های نظامی توجه شده است.	۱. انواع مانورهای بکار رفته شامل: مانور جبهه‌ای و مانور قائم	۱. لشکر مبنای رزم بوده است. ۲. اتکاء به نیروی هوایی در رزم ۳. اتکاء به نیروی دریایی در رزم ۴. اتکاء به حجم آتش

سؤال سوم تحقیق: وجوه اشتراک و افتراق عناصر راهبردهای نظامی طرفین در نبردهای زمینی دو جنگ جهانی اول و دوم به چه صورت بوده است؟ وجوه اشتراک و افتراق عناصر راهبردهای نظامی طرفین عبارتند از:

جدول ۸: وجوه اشتراک راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی اول

الف - وجوه اشتراک راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی اول		
هدف	روش	ابزار
۱. هر دو طرف بر حفظ و تأمین منابع در جنگ متمرکز بوده‌اند.	۱. هر دو طرف از تکه‌های روزانه و به مراتب بیشتر برای رسیدن به اهداف بهره برده‌اند. ۲. شیوه متداول برای انجام مانورها از سوی طرفین، مانور احاطه‌ای بوده است.	۱. برای هر دو طرف، ارتش مبنای رزم بوده است. ۲. هر دو طرف از نیروهای غیر (کمکی) در رزم استفاده کرده‌اند.

جدول ۹: وجوه افتراق راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی اول

ب - وجوه افتراق راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی اول		
هدف	روش	ابزار
۱. اهداف انتخاب شده برای متحدین (آلمان) بیشتر جنبه نظامی دارند. ۲. اهداف انتخاب شده برای متفقین حول پدافند از نقاط حیاتی و یا تصرف اهداف حیاتی از دست رفته قبلی می‌باشد. ۳. اهداف متحدین بیشتر از جنس توسعه‌ای و دنباله‌دار بوده (واسطه‌ای) اما اهداف متفقین از نوع محدود و غایی هستند.	۱. استفاده از تک شبانه در رزم از سوی آلمان بیانگر انضباط و آموزش بالای نظامی یگان‌های متحدین نسبت به متفقین می‌باشد. ۲. استفاده از مانور جبهه‌ای در رزم بیانگر تحمل تلفات زیاد در رزم از سوی متفقین می‌باشد. ۳. بکار بردن تنوعی از اقدامات و تاکتیک‌های آفندی و پدافندی مبین مهارت بالا و انعطاف‌پذیری یگان‌های متحدین نسبت به متفقین می‌باشد. ۴. تنوع اقدامات و روش‌های مختلف آفندی، پدافندی و مانوری بکار رفته توسط متحدین (آلمان) مبین طراحان ورزیده در عملیات می‌باشد.	۱. آلمان از نیروهای غیر در تقویت یگان‌های خود استفاده نموده است (در طول یگان‌های خود) اما فرانسه از وجود و قابلیت‌های نیروهای کمکی در کنار یگان‌های خود استفاده کرده است (در عرض یگان‌های خود). ۲. آلمان از سلاح‌های غیر متعارف در جنگ بهره برده است اما متفقین نسبتاً حقوق جنگ را رعایت نموده‌اند. ۳. استفاده از حجم آتش سنگین و دور برد و طولانی‌مدت بویژه برای آتش تهیه برای آلمان حائز اهمیت و میسر بوده است در حالیکه متفقین از این قابلیت کم بهره و یا از برد کم آنها بهره‌مند بوده‌اند. ۴. استفاده از قابلیت انتقال آتش بلند برای یگان‌های متحدین این مزیت را ایجاد می‌نمود که نیروهای مانوری تا نزدیکی مواضع دشمن تحت پوشش آن پیشروی نمایند در حالیکه چنین امری برای متفقین میسر نبود. ۵. متحدین (آلمان) از تاکتیک‌های مختلف و جسورانه مانند تاکتیک هویتیر برای تک استفاده نموده است که بیان‌کننده هوشمندی، دقت و مهارت در اجرای طرح‌ها می‌باشد.

جدول ۱۰: وجوه اشتراک راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی دوم

پ - وجوه اشتراک راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی دوم		
هدف	روش	ابزار
<p>۱. هر دو طرف در انتخاب اهداف به جنبه‌های غیر نظامی آن توجه نموده‌اند.</p> <p>۲. انتخاب اهداف بسیار هوشمندانه و متنوع بوده است.</p>	<p>۱. کاهش استفاده از مانورهای جبهه‌ای و افزایش استفاده از شیوه مانورهای احاطه‌ای و نفوذی مبین تغییر رویکرد رزم از خط مقدم به خطوط عقب و پشتیبانی‌ها می‌باشد.</p>	<p>۱. لشکر مبنای رزم در هر دو طرف بوده است.</p> <p>۲. هر دو طرف به استفاده از نیرو و بمباران هوایی یکدیگر اهتمام داشته‌اند.</p> <p>۳. عمق میدان نبرد در هر دو طرف افزایش یافته است.</p> <p>۴. هر دو طرف تحرک را جایگزین آتش نموده و یا این امر را در دست اقدام داشته‌اند.</p> <p>۵. شوروی در ابتدا و آغاز جنگ در جبهه متحدین بوده و در سال دوم جنگ به بعد بدلیل حمله آلمان به آن، در جبهه متفقین واقع می‌شود.</p>

جدول ۱۱: وجوه افتراق راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی دوم

ت - وجوه افتراق راهبردهای نظامی طرفین در جنگ جهانی دوم		
هدف	روش	ابزار
<p>۱. انهدام نیروهای دشمن بیشتر در متحدین معمول بوده تا متفقین.</p> <p>۲. انتخاب اهداف در جبهه متحدین، بیشتر تحمیلی (از سوی هیتلر) و در جبهه متفقین، موافقتی بوده است.</p>	<p>۱. متفقین نسبت به متحدین از مانور جبهه‌ای حداقل استفاده را در رزم نموده‌اند.</p>	<p>۱. استفاده متفقین از نیروی دریایی در رزم مبین پیشرفت تکنولوژی دریایی در متفقین نسبت به متحدین می‌باشد.</p> <p>۲. از اجرای حجم آتش طولانی مدت توپخانه متحدین در رزم کاسته شده است.</p> <p>۳. تحرک و مانور نیروها در متحدین نسبت به متفقین بیشتر و بهتر بوده است.</p>

جدول ۱۲: وجوه اشتراک راهبردهای نظامی متحدین در دو جنگ جهانی

ث - وجوه اشتراک راهبردهای نظامی متحدین در دو جنگ جهانی		
هدف	روش	ابزار
۱. انهدام نیروهای دشمن همچنان در هر دو جنگ از اهداف اساسی نظامی به شمار می‌رود.	۱. مانور رخنه‌ای و مانور احاطه‌ای در هر دو جنگ بطور عمده مورد استفاده قرار گرفته است. ۲. اقدامات تأمینی در هر دو جنگ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ۳. از هر دو نوع تک (روزانه و شبانه) در عملیات‌ها استفاده شده است.	۱. در هر دو جنگ به استفاده حداکثری از نیروهای رزمی کمی اهتمام شده است (علاوه بر نیروهای سازمانی، به بهره‌برداری از نیروهای مناطق اشغالی یا هم‌پیمان و متحد اهتمام شده است). ۲. آتش در هر دو جنگ همچنان عامل مؤثر در میدان رزم محسوب می‌شود.

جدول ۱۳: وجوه افتراق راهبردهای نظامی متحدین در دو جنگ جهانی

ج - وجوه افتراق راهبردهای نظامی متحدین در دو جنگ جهانی		
هدف	روش	ابزار
۱. در جنگ جهانی اول تنوع اهداف نظامی بیش از اهداف غیر نظامی بود در حالی‌که در جنگ جهانی دوم تنوع اهداف غیر نظامی بیش از اهداف نظامی است.	۱. تنوع مانور به کار رفته در جنگ جهانی دوم بیش از جنگ جهانی اول بوده است (علاوه بر مانورهای رخنه‌ای و احاطه‌ای از مانورهای نفوذی و جبهه‌ای نیز استفاده شده است). ۲. در جنگ جهانی اول، اقدامات تأمینی به کار رفته عمدتاً جهت آفند و در جنگ جهانی دوم برای پدافند به کار رفته است.	۱. در جنگ جهانی اول، ارتش و در جنگ جهانی دوم عمدتاً لشکر مبنای رزم بوده است. ۲. قوانین و حقوق جنگ در جنگ جهانی دوم نسبت به اول بیشتر رعایت شده است. ۳. در جنگ جهانی اول، نقطه اتکا بر آتش بود اما در جنگ جهانی دوم، علاوه بر آتش، بر تحرک نیز استوار بود. ۴. در جنگ جهانی دوم بدلیل استفاده از نیروی هوایی، عمق میدان نبرد نسبت به جنگ جهانی اول افزایش یافته است.
۲. اهداف در جنگ جهانی اول عمدتاً جنبه نظامی داشتند اما در جنگ جهانی دوم علاوه بر بعد نظامی به سایر جنبه‌های هدف از جمله استراتژیکی، سیاسی، اقتصادی و ... توجه شده است.	۳. در جنگ جهانی اول، اهداف عمدتاً با نقش واسطه‌ای اما در جنگ جهانی دوم اهداف بیشتر از نوع تکمیلی انتخاب شده‌اند.	

جدول ۱۴: وجوه اشتراک راهبردهای نظامی متفقین در دو جنگ جهانی

چ - وجوه اشتراک راهبردهای نظامی متفقین در دو جنگ جهانی		
هدف	روش	ابزار
<p>۱. پدافند از نقاط حساس و حیاتی در هر دو جنگ مد نظر بوده است.</p> <p>۲. اولویت با تأمین اهداف غیر نظامی (استراتژیکی و سیاسی) و بعد اهداف نظامی بوده است.</p>	<p>۱. از مانور جبهه‌ای بطور گسترده در هر دو جنگ استفاده شده است.</p>	<p>۱. از اتفاق نیروهای رزمی در هر دو جنگ استفاده شده است.</p>

جدول ۱۵: وجوه افتراق راهبردهای نظامی متفقین در دو جنگ جهانی

ح - وجوه افتراق راهبردهای نظامی متفقین در دو جنگ جهانی		
هدف	روش	ابزار
<p>۱. تبدیل پدافند به آفند در جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ جهانی اول سریعتر و با تمایل بیشتر انجام گرفته است.</p>	<p>۱. مانورهای به کار رفته در جنگ جهانی اول عمدتاً زمین‌پایه (احاطه‌ای و جبهه‌ای) اما در جنگ جهانی دوم علاوه بر مانور جبهه‌ای از مانورهای هوای پایه (مانور قائم) نیز استفاده شده است.</p>	<p>۱. در جنگ جهانی اول، ارتش و در جنگ جهانی دوم عمدتاً لشکر مبنای رزم بوده است.</p> <p>۲. تنوع نیروهای به کار رفته در رزم در جنگ جهانی دوم بیش از جنگ جهانی اول می‌باشد (نیروهای زمینی، هوایی و دریایی)</p>

<p>۱. در جنگ جهانی اول، آتش و در جنگ جهانی دوم، تحرک نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند.</p> <p>۲. ورود تانک در جنگ جهانی اول و هواپیما در جنگ جهانی دوم، ماهیت جنگ را در عرصه فناوری دستخوش تحول نمود.</p> <p>۳. پایبندی به رعایت حقوق انسان‌ها در جنگ از سوی طرفین در جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ جهانی اول بهتر شده بود.</p> <p>۴. عمق میدان نبرد در جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ جهانی اول بدلیل افزایش برد سلاح‌ها افزایش یافت.</p> <p>۵. تغییر و تحول در ابزارهای راهبردی از آتش به تحرک میل نموده و بعد چهارم جنگ یعنی اهمیت «زمان» را بیش از پیش آشکار ساخت.</p>	<p>ابزار</p>
<p>۱. افزایش مهارت طرفین در جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ جهانی اول به دلیل تحولات فناورانه افزایش یافته بود.</p> <p>۲. تنوع در روش‌های جنگیدن، (مانور و قابلیت انعطاف در عرصه میدانی) به عنوان عاملی برترساز.</p>	<p>روش‌ها</p>
<p>۱. اهداف فقط از جنبه نظامی خارج و با جنبه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، راهبردی و ... مورد بهره‌برداری قرار گرفت.</p>	<p>اهداف</p>

سایر	<p>۱. هر دو جنگ توسط متحدین (آلمان) آغاز و توسط متفقین به پایان رسیده‌اند.</p> <p>۲. در هر دو جنگ متفقین پیروز و متحدین شکست خورده و متحمل پرداخت خسارت‌ها و غرامت‌های سنگین شده‌اند.</p> <p>۳. در پایان یافتن جنگ جهانی اول، امریکا و در پایان یافتن جنگ جهانی دوم، شوروی نقش مؤثری داشته‌اند.</p> <p>۴. هر دو جنگ را متحدین طوفانی آغاز، به‌طوریکه موفقیت‌هایی را هم کسب نمودند اما بنابر دلایل متعددی چون فقدان راهبرد کلان و دراز مدت یا عدم وحدت فرماندهی و ... تضعیف و تحلیل رفته و بازی برده را واگذار نمودند.</p>
-------------	---

با بررسی‌های تطبیقی صورت پذیرفته در سه حوزه از عناصر راهبردی (ابزار، روش و هدف) در نبردهای زمینی بین دو جنگ جهانی اول و دوم موارد مندرج در جدول زیر استخراج گردید:

پیشنهادها:

- ۱- انجام پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای دریایی دو جنگ جهانی اول و دوم.
- ۲- انجام پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی راهبردهای نظامی به کار رفته در نبردهای هوایی دو جنگ جهانی اول و دوم.

منابع و یادداشت‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اتو اسکورزنی، جنگ ناشناخته: روایت یک آلمانی از جنگ جهانی دوم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران ۱۳۷۴ ش؛
- ۳- احمد نقیب‌زاده، تحولات روابط بین‌الملل، تهران ۱۳۷۲ ش
- ۴- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۸)، مسائل نظامی و راهبردی معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- ۵- افشردی، محمدحسین و بوالحسنی، خسرو (۱۳۹۳)، تهدیدهای ژئوپولیتیکی مؤثر بر تدوین راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران در قبال ترکیه، مطالعات دفاعی و استراتژیک، شماره ۵۵.
- ۶- آلن جان پرسبیوال تیلور، جنگ جهانی دوم، ترجمه بهرام فرداد امینی، تهران ۱۳۷۴ ش؛
- ۷- آنسلف، اچ؛ ایگور و ادوارد جی. مک‌دانل، (۱۳۷۵) استقرار مدیریت راهبرد، ترجمه عبدالله زندیه، تهران: انتشارات سمت.
- ۸- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، جلد چهارم، تهران: نشر سخن.
- ۹- آهنچی، محمد، (۱۳۸۹)، راهبرد و مدیریت راهبرد، چاپ اول، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- ۱۰- پیردو سونارکلان، یالتا، ترجمه سیروس سعیدی، تهران ۱۳۶۸ ش؛
- ۱۱- تاریخ جنگ دوم جهانی: سپتامبر ۱۹۳۹- اوت ۱۹۴۵، تهران: اقبال، ۱۳۲۷ ش؛
- ۱۲- جمالی، علی اصغر و رستمی، محمود (۱۳۸۱)، تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ، تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).

- ۱۳- رستمی محمود، (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه های نظامی، تهران: ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- السن، جان آندریس، (۱۳۸۴)، «جنگ نامتقارن»، ترجمه؛ مرکز برنامه ریزی و تألیف متون در سی سپاه، تهران، معاونت آموزش و نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۵- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱)، مسائل نظامی و راهبرد معاصر، تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت، چاپ دوم.
- ۱۶- صدری افشار غلامحسین و حکمی نسترن، (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۷- صلحجو، علی (۱۳۸۶)، راهبرد چیست؟، مجله امید انقلاب، شماره ۳۶۱.
- ۱۸- طالبان، محمدرضا، (۱۳۸۴) معضل آزمون استدلال علی در تحقیقات تاریخی تطبیقی در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تربیت معلم. شماره ۵۱-۵۰.
- ۱۹- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، تهران ۱۳۵۵ ش؛
- ۲۰- گریگوری ابراموویچ دبورین، رازهای جنگ جهانی دوم، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران ۱۳۵۶ ش؛
- ۲۱- مسعود انصاری، تشنجات سیاسی پس از جنگ دوم جهانی، [تهران ۱۳۵۳ ش]؛
- ۲۲- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۳- نوذری، فضل اله، (۱۳۸۹)، «دکترین رزم زمینی در محیط جنگ ناهمگون»، تهران، دانشگاه جامع امام حسین(ع)- دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی (دافوس).

- ۲۴- نیروی قاطع: نیروی زمینی در عملیات‌های صحنه، (۱۳۸۲)، ترجمه؛ داود علمایی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- ۲۵- هولستی، آل آر (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی»، ترجمه‌ی نادر سالارزاده، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲۶-Falk, C. (۲۰۱۱) All Pedagogy is Military, In T. Kvernbekk, H. Simpson and M.A. Peters (eds.), *Military Pedagogies: And Why They Matter*, Sense Publishers, Rotterdam ..۱-۱۶
- ۲۷-Ragin, Charles C (3002) *Comparative Methodology The Logic of Case Oriented Research*, Department of Sociology, and University of Arizona USA.
- ۲۸- Caforio G., (2000). *The European Officers: A Comparative View on Selection and Education*, Edizioni ETS, Pisa.
- ۲۹-Mintzberg,H.(1994),“The nice and fall of strategic planning”prentice Hal.<https://www.parsi.wiki/fa>.
- ۳۰-Barry Buzan, (1987) *An Introduction to strategic studies. Military Technology and International Relations*.
- ۳۱-<https://fa.wikipedia.org>.